

الأدنى دون العذاب الأكبر لعلهم يرجعون باوجود این  
 این قوم پرلوم را اسباب تنبه باعث از زیاد غفلت کردند ما  
 طفلانند که تحریک مهد سبب استغراق در خوابست یعنی  
 تحریک که سبب ایقاظست مورث از یاد نوم شور دعهم  
 يخوضوا ويلعبوا حتى يرجعوا الى الذرکات السفلى باری اجبا  
 الهی باید کل در این موارد بنهایت ثبوت واستقامت قیام نمایند  
 ومطمئن بحفظ وحمایت حق باشند ابداً اضطرابی حاصل  
 نمایند این امراض مانند سپاه و لشکر است اگر در مقابل  
 عساکر مهاجمه انسان اندک اضطرابی بنماید شبهه‌ئی نیست  
 که مستولی گردند و در میدان تالان و تاراج نمایند و لکن  
 اگر انسان بیسالت و شجاعتی خارق العاده مقابلی عساکر  
 جرّاره نماید دشمن هر چند قوی و جسور باشد در میدان  
 حرب مقاومت نتواند فرار اختیار کند حال احتبای الهی نیز  
 در چنین موارد یعنی هجوم مرض و بلاء باید در نهایت سکون  
 و وقار و اطمینان و قوت قلب حرکت نمایند و جمیع یاران  
 الهی را تحیت مشتاقانه برسان ع

## هو الله

ای یارنا زنین آنچه نکاشتی و در دل داشتی پدیدار و خوا  
 آشکار گشت هر چه ناله و فریاد کنی و آرزوی جانفشانی  
 در راه آند لبر مهربان جوئی سزاوار و شایانست ولی چون  
 چنین اندیشی در هر دمی جانی بیفشانی از خدا خواهی که آرزو  
 تو و مرا هر دو روا فرماید تا هر یک در جانفشانی پرچمی برافرو  
 اما تو چون به بندگی خدا پرداختی در از پنهان آموختی و  
 فارسیا ترا بخداوند مهربان خواندی در هر دم جانفشانی  
 برستی زردشتیان روی پیشینیا ترا سفید نمودند و پاکی نژاد  
 پدید کردند من از آنان خوشنودم پس باید بجوشند و بخروشند  
 تا هر همگیش را خوش اندیش کنند و هر بیگانه را یار و خویش  
 نمایند آن دم نیروی پروردگار پیاپی رسد و یاری آموزگار دم  
 بدم دیده شود و از برای پدر و مادر که بجهان دیگر رفته‌اند  
 و از سر چشمه زندگانی جاودانی بی بهره بودند اگر خواهش  
 آموزش شود در درگاه خدا پذیرفته میشود از برای خداداد

دل آسوده دار آن سرگشته کوی یار بگلزار یزدانی شتافت  
وزندگی جاودانی یافت جانت خوش باد ع ع

## هُوَ اللَّهُ

یا من تمسک بالعروة التي لا انفصام لها حمد کن خدایا  
که از کأس ثبوت و رسوخ نوشیدی و بعروة و ثقای استقامت  
تثبت نمودی از خم عرفان مخمور شدی و از بیت مطمرد  
بیت معمور پی بردی پس پیمان پیمان بدست گیر و از خمخا  
عهد الهی دوستان را سر مست کن و بازار منزلزلین را شکست  
جامه سکون بدر و جام ظهور بنوش و با یار حقیقی دست در  
آغوش شو از فصل و موهبت الهیه نفوسی مبعوث گشته اند  
که چون کوه آهنین بر عهد مقیمند و چون بنیان روئین متین  
ورزین یا جوج تزلزل را سدای از زبر حدیدند و ما جوج  
تبلبل را حائلی چون رکن شدید گورد بار اقتان را حاجبند  
و تند بار امتحان را حاجز و امید از فضل و عنایت  
جمال قدم روحی لاجبانه الثابتین فدا دارم که این خلعت

زیبا برقد و بالای آن بنده جمال الهی سزاوار آید و چنان  
راسخ و ثابت باشی که کل اجبای آن دیار ثابت در اسخ گردند  
و البهَاء علیک و علی کل من تمسک بالمیثاق ع ع

## هُوَ اللَّهُ

یا من تمسک بالعروة الوثقی آنچه مرقوم فرموده بود  
ملاحظه گردید نفعه خوشی از ریاض معانیش استشام  
شد چه که در دلالت بر ثبوت بر میثاق الهی چون بنیان  
مرصوص بود و لمثلک یبغی هذا المقام العظیم و کل وجه  
یستضیئ بهذا النور المبین قسم باسم اعظم روحی لاجبانه  
الثابتین فدا که الیوم مقامی اعظم از ثبوت و رسوخ بر پیمان  
و ایمان الهی نبوده و نیست این نفوس ثابته مؤید بجنود  
ملکوت الهی هستند و این هیاکل مقدسه مؤید بملائک  
این امر عظیم و صراط مستقیم را امتحان و اقتان شدید در  
بسمیکه جبال راسخه متزلزل گردد و اشجار معرّقه منقر  
شود در لوح فتنه در سینه شدار و شدائدش مذکور هنیئاً

لمن ثبت ورسخت قدماء على الصراط البتة آنجناب شب  
وروز در تثبیت قلوب بکوشید و اگر چنانچه نفحه ولو  
بسیار خفیف تزلزل از نفسی از ماژین و عابریں استشمام  
نمائید احبّار منع از معاشرت نمائید عبد البهّا عبّاس

## هو الله

یا من هو نور من الله نصرت حقیقیه و خدمت ملکو<sup>تیه</sup>  
قیام برضای ملک ایامست و بذل همت کلیه در اعلای  
کلمه عزیز علام آنجناب الحمد لله بهر دو فائز و چون  
شریان بقوة محبت الله نابض پس شکر کن حضرت<sup>فیضاً</sup>  
که نصرت مجسم شدی و محبت مشخص و معرفت مصوّ  
عنقریب نصرت جنور ملکوت الهی را مشاهده خواهی  
فرمود و شدت قوت شدید القوی را ملاحظه خواهی  
کرد مطمئن باش و مسترچ و منتظر تا نیدرت مجید  
ای رب هذا عبد قام بکلیّة علی نصره عهدک و میثاقک  
الذی اخذته من جمیع الحقائق المقدسة فی ملکوت

غیبک و جبروت خلقتک ای رب ایدّه بجنور لم تری  
انک انت القوی القدير ع

جناب آقا سید علی محمد در عنایت رب قدیم در جمیع مجامع  
و صوامع ملکوت مذکورند و در ساحت من لا یعزب  
عن علمه شیء مشهور و جناب آقا سید احمد در مقامات  
عالیه محمود و مدوح و مذکور و البهّا علی اهل البهّا  
جمیعاً ع

دو بطونه سنجاب که ارسال فرموده بودید این روزها  
رسید و انشاء الله عنقریب دوخته و پوشیده میشود  
و البهّا علیک ع

## هو الاهی

ای عبد بها موسیقی از علوم مدوحه در درگاه کبریاست  
تا در جوامع کبری و صوامع عظمی با بدع نغمات ترتیل آیات  
نمائ و چنان آهنگی از مشرق اذکار بلند کنی که ملاء اعلی با هنر  
آید ملاحظه کن که نظر باین جهت فن موسیقی چه قدر

مدوح و مقبول است اگر توانی الحان و انغام و ایقاع و مقامات  
روحانی را بکار بر و موسیقی ناسوتی را تطبیق بر ترتیل لاهوتی  
کن آنوقت ملاحظه فرمائی که چه قدر تأثیر دارد و چه روح  
و حیات رحمانی بخشد نغمه و آهنگی بلند کن که بلبان اسرار  
را سرمست و بیقرار نمائی و عليك التحية والثناء ع

### هو الله

ای هزار گلزار الهی همیشه منظور نظر عنایت رحمانیه بوده  
و مشمول الطاف سبحانیه خواهی بود در ایام الله بابدع الحان  
در گلشن توحید تغنی فرمودی و بمدح و ستایش یزدان لب  
گشودی یاران رحمانی را سبب سرور و شادمانی بودی و  
محفل انس روحانیرا مطرب خوش آهنگ ملکوتی گشتی  
الحمد لله مظهر الطافی و منظور لحظات عین رحمانیت پروردگار  
در عهد و پیمان ثابتی و مانند جبال راسیه مستقیم و راسخ  
همواره در مجامع علیا و محافل روحانی بستایش و شنای جمالی  
الهی لب بگشا و بابدع انغام نغمه و آوازی بلند کن که روحان

بشور و وله و ابجد اب آیند و کل بنشر نجات قدس مشغول  
گردند تا آوازه شیراز بملکوت بی نیاز رسد وصیت محبت الله  
از آن اقلیم در روی زمین منتشر گردد و عليك التحية والثناء ع

### هو الله

ای هزار هزار دستان در این عید رضوان سنه قمری شصت  
ظهور قصیده که انشا فرموده بودی در فی الحقیقه بدیعت بلوغ  
و فصیحست و لطیف در نهایت سلاست و حلاوت و بلاغت  
و مضمون در نهایت اعتدال ایدک الله علی ابداع النغمات  
فی فیح الجنان بغنون الألحان انشاء الله همواره محافل  
یاران را باین ترانه مستغنی از شراب شبانه و الحان چنگ و چغانه  
نمائ و عليك التحية والثناء ع

### هو الله

ای باربد الهی هر چند سلف در فن موسیقی مهارتی نمودند  
و الحان بدیعه بسروردند شهر آفاق گشتند و سرور عشاق

ابیات عاشقانه بالحن بیات بنواختند و در انجمن عالم  
 نوائی بلند نمودند در صحرای فراق با آهنگ حجاز و لوله در عز  
 انداختند ولی نغمه الهی را تأثیری دیگر و آهنگ آسمانی را جند  
 و ولهی دیگر در این عصر طیور انس در حدائق قدس باید آواز  
 و شهنازی بلند کنند که مرغان چمن را بوجد و پرواز آرند و  
 در این جشن الهی و بزم ربانی چنان عود و رودی بسرود آرند و  
 چنک و چغانه بنوازند که شرق و غرب را سرور و شادمانی دهند  
 و جبور و کامرانی بخشند حال تو آهنگ آن چنک را بلند کن و  
 سرود آن عود بزنی که بار بدر جان بکالبد دهی و رودکی را  
 آسودگی بخشی فاریاب را بی تاب کنی و ابن سینا را بسینای الهی  
 دلالت نمائی و عليك التحية والثناء ع

## هو الله

ای عند لیب گلشن معانی نامه نیکه بعد از رجوع از سروستا  
 مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید از عدم فرصت مختصر جواب  
 مرقوم میشود الحمد لله یاران سروستان الفتی یافتند

امید وارم که دیگر کلفتی حصول نیابد یاران باید سبب اتحاد  
 ملل و قبائل من علی الارض شوند البته خود باید متحد باشند  
 تا دیگران را متحد کنند شمع خواموش شمعهای دیگر روشن نکنند  
 شخص بیهوش دیگران را علم و دانش نیاموزد پس باید یاران  
 اول ما بین خویش بکلی بیگانگی برانند از ند و یگانگی عالم انسانی را  
 ثابت نمایند از قبل من جمیع را تحت ابداع الهی برسان  
 امیدم چنان است که جناب آقا حیدر علی صفدر گرد و غضنفری  
 بنماید تا دلها بر باید قصیده نیکه در تهنیت عید رضوان اشنا  
 فرموده بودید انشا شد و در محفل یاران ترتیل گشت حضرت  
 بشیر الهی فی الحقیقه خادم صادق و یار موافق است در حق کل  
 قصور نمینماید الآن در دبلین هستم و شب و روز مشغول ندانم  
 بنور مبین انجمنهای خوش تشکیل میشود و نفوس مهم قابل  
 لائقی حاضر میشوند در هر محفل در بدایت صحبتی از امر الله میشود  
 بعد هر کس سؤالی دارد جواب داده میشود از جمله دیروز سؤال  
 از حقیقت حضرت رسول علیه السلام بود زیرا آنحضرت در این  
 صفحات بنهایت توهین ذکر میشدند و مفتریات بسیار بود در

هزلیات ضرب المثل بودند آن نور پاک را قسیدهای این خاک  
چنان نگوئش نموده اند که جز قوه روح القدس این اوها مات را  
زائل ننماید باری دیروز صحبت مفصلی در اثبات آنحضرت و  
قوه کلمه و نفوذ کلیه او گردید و براهین واضح و دلایل ساطعه  
بیان گشت و عليك البهَاء الالهی ع ع

### هُوَاللَّهُ

ای عندلیب حدیقه حقائق و معانی فی الحقیقه با نوع بلایا  
و مصائب معذب و مبتلائی و معرض باساء و ضرائی ولی امید  
چنین است که قدری این مشقت من بعد خفت یا بد و نوعاً  
راحتی حاصل گردد این بلایا بجهت این است که قدری شریک  
و سهیم عبد البهَاء گردی ضرری ندارد ملاحظه فرما که جمال  
مقصود می نیاسود و نفسی راحت نفرمود چون خورشید <sup>خشنده</sup>  
و ماه درخشنده را چنین کسوف و خسوفی دیگر ا مثال ما بینوایانرا  
از بلاچه پروائی باری مطمئن باش که عبد البهَاء غمگسارتو و  
شب و روز بیاد دیدارتو و عليك البهَاء الالهی ع ع

### هُوَاللَّهُ

ای عندلیب گلشن الهی چون روحانیان محفل طرب آریند  
و بهائیان در سایه طوبی آسایند بزم میثاق بر ترتیب ظل  
شجره انیسامزین گردد چنک الهی بدست گیر و آهنگ ملوک  
الهی سازکن که ای بهائیان وجد و طرب نمائید ای الهیان  
جذب و وله خواهید که نغمه ناقور حق شرق و غرب را بمرکت  
آزرده و صوت صور و صافور حق جنوب و شمال رازند نموده  
صوت تهلیل و تکبیر و رتبه تقدیس و تسبیح از جمیع ارجاء و اخاء  
بملکوت الهی متواصل وصیت جمال الهی بهفت اقلیم متابع  
و البهَاء علی کل من یتبشر بهذا الحدیث ع ع

### هُوَاللَّهُ

ای عندلیب معنوی همواره در نغمه و ترانه تی و در گلشن  
معانی گلبنگ میزنی فصاحت و بلاغت اشعار واضح و آشکار <sup>است</sup>  
اما آرزوی عبد البهَاء خاکساری در عتبه بهاء الله است هذه

نهایه آمالی و غایه منائی و نور جبینی و صبح مبینی و ماء معینی  
پس تا توانی در این گلستان نغمه سرائی کن و از عبودیت حقیقی  
عبد البهآبدون تاویل و تفسیر ترانه بی بنواز و علیک البهآء الاهی  
عبد البهآء عباس

### هُوَ الْإِلَهِيُّ الدَّالِي

ای عندلیب حدیقه الاهی در این مدت مدیده هر چند با کمال  
فصاحت و بلاغت قصائد غزائی انشاء نمودید ولی این منظوم  
اخیر لؤلؤ منشور منیر است و جواهر بی نظیر مقبول واقع شد  
ولی بعد از تصحیح باری همیشه در چمنستان عرفان با انواع  
نغمات و ابداع الحان بذکر عبودیت این عبد تغنی فرمائید و روح  
مہتر گردد و قلب مستبشر شود و جان روح و ریجان یا بدو  
انوار سرور بتابد و فیض جور بیفزاید ای عندلیب وقت  
ساز و ترانه است و هنگام چنک و چغانه دم بشارتست و روز  
فیروز فیض و عنایت در شوق و شعفا و در طرب و شغف  
وقت آنست که از فیض الطاف جمال الاهی دم زنی و از اسرار میثاق

قلوب اهل وفاق و ازنده نمائی و البهآء علیک ع

### هُوَ الْإِلَهِيُّ

اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي تَرَانِي كَلِيلُ اللِّسَانِ عَنْ بَيَانِ الْمَوَاهِبِ الَّتِي  
خَصَّصْتَ بِهَا أَصْفِيَاءَكَ وَ اخْتَصَّصْتَ بِهَا مِنْ تَشَاءُ مِنْ أَحْبَابِكَ  
و بِشُكْرِكَ عَلَى الطَّافِكَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ الَّتِي زَلَّتْ فِيهَا أَقْدَامُ  
الْمُسْتَكْبِرِينَ عَلَى عَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ بِحَيْثُ يَا إِلَهِي اشْرَقَتْ أَنْوَارُ  
وَ اشْتَهَرَتْ آثَارُكَ وَ ظَهَرَتْ اسْرَارُكَ وَ انْتَشَرَتْ نَفْحَاتُكَ لَعَلَّتْ  
كَلِمَتُكَ وَ عَبَقَ طَيْبُ انْفَاسِ قُدْسِكَ وَ تَعَطَّرَ الشَّرْقُ وَ الْغَرْبُ  
مِنْ رَائِحَةِ قَمِيصِ تَقْدِيرِكَ وَ اهْتَرَّتْ الْأَقَالِمُ لِتَعْلِيمِكَ أَيُّ رَبِّ  
لَكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ ذَلِكَ أَيُّ رَبِّ أَيُّدِ  
الْمُقْرَبِينَ عَلَى الْاجْتِمَاعِ فِي مَحَافِلِ الْأَنْسِ لَذِكْرِكَ وَ شَتَاتِكَ وَ وَفْقِ  
الثَّابِتِينَ عَلَى الْأَحْتِفَالِ فِي مَجَامِعِ الْقُدْسِ لِحُبِّكَ وَ وِلَانَتِكَ  
أَيُّ رَبِّ اجْمَعْ شَمْلَهُمْ وَ لَمْ شَعَثَهُمْ وَ ارْفَعْ كَلِمَتَهُمْ وَ اظْهَرْهُمْ عَلَى  
أَسْمِ الْأَنْفَاقِ بِعَوْنِكَ وَ مَعْرِفَتِكَ وَ نَفُوزِ كَلِمَتِكَ وَ اجْعَلْ بِمَجَامِعِ  
انْعِكَاسَاتِ جَوَامِعِ الْمَلَكُوتِ وَ مَحَافِلِهِمْ آيَاتِ صَوَامِعِ الْأَلَاهُوتِ

ليستجوك ويقدموك ويمجدك ويشكرك انا انت الكريم ع

## هو الله

يا بن عندليب نامه شمارسيد مضمون معلوم گرديد که جناب عندليب ازین جهان تنگ و تاریک بعالم وسیع شتافتند هر چند ازین واقعه حزن شدید رخ داد ولی ازین جهت که آن روح عزیز از باده محبت الله جام لبریز بود از مشقت عظمی درین حیز ادنی نجات یافت و با وج عزت ابدیه شتافت این ملاحظه سبب تسلی خاطر گشت شما نیز محزون <sup>شید</sup> مغموم نمانید مناجاتی طلب مغفرت در حق آنحضرت <sup>گاه</sup> بد احدیت گردید و از پیش فرستاده شد البته تا حال رسیده و بر حجر قبر آنذات محترم این عبارت مرقوم دارید ان عبد لیب الحیب قد ضاق علیه الفضاء فی وکره هذه الدنيا فطار الى مطار الملاء الأعلى اوج لا یتناهی حتی یتغرد علی افئان شجرة طوبی بفنون الالحان علیه التحية والرضوان .  
باخوی آقا میرزا عبد العلی دامه الله نورا خانم و همشیره ها

صغیر و اخوی کوچک از قبل من نهایت نوازش و مهربانی محوی دارید و علیک البهاء الابهی عبد البهاء عباس <sup>شاه</sup> ع حفا

## هو

عندلیبا حبیباً اریباً لبیباً از کثرت مشاغل موفق الی الآن بقرائت جمیع اشعار نشدم انشاء الله جمیع را خواهم خواند چون اندکی الآن وقت دارم بتحریر جواب پردازم از فریجه آن حضرت معانی صریحه و ابیات ملیحه مانند آب زلال جاری و ساریست و زجاج قصائد و غزل را این بلاغت سراج بیهثال منظوم باید چنین لؤلؤ منشور باشد و الا فلا . الحمد لله که ابیات اشعار شما آیات حقایق و معانی است و کلمات مانند درر غوایی و علیک البهاء الابهی ع ای غزلخوان محامد و نعوت را رونق بجمصر معانی در ستایش جمال ابهائی بقول ملا چون کرور آید یک نیز پیشین مایع

## هو الله

ای بلبل خوش الحان اشعار فصیح بلیغ ملاحظه گردید



الحان بدیع بود و ملیح و ابیات بلیغ بود و فصیح هر چند  
عبدالبهاء ابداً فرصت ندارد با وجود این بنگارش این نامه  
پردازد تا سبب سرور آنجیب روحانی گردد و باعث ازدیاد  
جریان و سریان قریحه روحانی گردد و در محامد جمال مبارک  
روحی لأحبائه الفداء قصائد بنظم آری و اهل ملأ اعلی را  
بوجد و طرب آری در خطه ماه کنعانی بذکریاران رحمانی  
مشغولیم و بنهایت عجز و نیاز از الطاف حضرت یزدان  
استدعا مینمائیم که یاران موفق گردند تا از شیراز شهنازی  
بلند گردد که آذان اهل آفاق را متلذذ نماید و قلوب شرق  
و غرب را باهتزاز آرد بجل سعید را در حیفار در مدرسه ئی  
نهارم و بتحصیل لسان و علوم مشغول است ع

## هو الاهی

یا من اجتهد بروحه و ذاته و کینونته فی نشر نجات الله حست  
احسنت بما استقمتم علی عهد الله و میثاقه و ثبت بقوه  
من الله علی هذا الصراط الممدود لعمرا لله یؤیدک علی

ذلك جنود الملکوت الالهی و الملائکة المقربون فاشدد  
ازک بقدره من الله و قو ظهرك بسلطنة من الله و مر علی  
القلوب بمرور نسیم الصبا و بشرهم بنفحات الله و اشعل فی  
القلوب نار محبة الله و نور الابصار بنور معرفة الله و اشرح  
الصدور بفیض موهبة الله و احي الارواح بالمياه الطافحة  
من حياض رحمة الله فی ریاض امر الله و البهاء علیک و علی  
کل من افتقر فی سبیل الله و اصابته الضراء و البأساء فی حجة<sup>الله</sup>  
حقیقة مشقات و زحمات آنجناب بی حد و پایان گشته صبر  
جمیل لازم از استقامت و ثبوت و اشتعال جناب افنانها  
مرفوم فرموده بودید سبب نهایت روح و روحا گردید

## الله الاهی

جناب عندلیب چون آنجناب اهل راز این عبد هستید  
لهذا از اسرار بیانی نمایم و آن اینست که این عبد را نهایت  
آمال و آرزو اینست که عبودیت خویش را در آستان مبارک  
در جمیع عوالم ثابت نمایم و این عبودیت محضه را بهیچ رتبه

ومقامی تبدیل نمایم آنچه از عبودیت این عبد ذکر شود  
 سبب مسرت دل و جانست و علت روح و ریجان و خیمه  
 امرالله بستون عبودیت بلند گردد و سدره امرالله بعبودیت  
 صرفه و فناء بخت خدمت شود آزارگی این عبد در این بند  
 وعزت مقدسه اش در عبودیت آستان مقدس پس  
 کل باید بمنتهای قوت بر بندگی و عبودیت جمال قدم روحی  
 لأحبائه الفدا قیام نمایم تا بانوار عبودیت آفاق را روشن  
 نمایم و بروح فقر و فنا و عجز و ابتهال جهان وجود را روح  
 بخشیم و باهنگ الحان بدیع عبودیت زلزله بر ارکان عالم  
 اندازیم و قلم آجناب باید ترجمان قلم این عبد باشد و  
 آنچه از این قلم ترشح نماید از آن قلم بزاورد یعنی در ذکر  
 عبودیت این عبد قلم آجناب انشاء الله آیت عظمی گردد  
 اینست که میفرماید تا نگردی فانی از وصف وجود ای مرد  
 کی چشی خمربقاء از لعل نوشین نگار لهذا قصیده که تازه  
 بجهت عشق آباد انشاء فرموده اید این را تبدیل بقصیده  
 ذکر بندگی و عبودیت این عبد نمائید یعنی از بدایت تا

ذکر عبودیت این عبد باستان مقدس باشد بهذا  
 یفرح روحی وینشرح صدری و تنتعش نفسی و هذا سدرتی  
 المنتهی و مسجدی الأقصی و جنتی المأوی و هذا مذهبی  
 و دینی و طریقتی و حقیقتی و حیاتی و بخاتی منذ هومة اظفار  
 ع

## هو الاهی

ای ستمی حضرت مقصود آهنگ ملکوت الاهی بلند است  
 و ترانه بلبل و فادر گلبن معانی روح بخش هوشمند گاهی  
 نغمه حجاز ساز کند و گاهی شهناز عراق بلند نماید گهی مقام  
 عشاق نواز د رمی آه و این مشتاق نماید تو نیز در این  
 عالم انسان آهنگ بدیعی بلند کن تا سرهنگ طیور گلشن  
 تقدیس شوی و در گلبن توحید الحان مقامات معنوی برآ  
 و عليك التحية والثناء ع

## هو الله

ای سلیل عندلیب جلیل ناله و فغان از فراق بگوش

این مشتاق رسید و تا اثر شدید نمود حمد خدا را که زاده  
جان و دل آن پدری نه همین از عنصر آب و گل مظهر  
الولد سزا بیه هستی و نسبت حقیقی داری و اخلاق مطابق  
اعراق من نیز مشتاق دیدن روی توام ولی پدر مهربان  
باید این ایام انفکاک از اسامان ننماید زیرا امروز روز  
خدمت است یوم زیارت آید و آن عند لیب الهی در این  
گلشن بسراید حال بجان و دل باید بعبودیت پردازد و  
در آن باغ و راغ تا تواند گلبانک زند و از حقائق و معانی  
دم زند حال صبر کن انشاء الله روزگاری در نهایت حلاوت  
روی دهد و آنچه منتهای آرزوی تو و پدر مهربانست  
حاصل گردد و عليك البهاء الابهی ع ع

### هُوَّ الْاِبْهَى

ای ربّ هذا عند لیب ریاض ثنائک و لیث غیاص ذکوک  
ورقاء فردوس محامدک و نعوتک قد تغرّر علی افنان <sup>ح</sup> دو  
البیان باحسن التبیان و ترتم فی حدیقة العرفان بابدع

الألحان و نادى بميثاقك في قطب الآفاق و ثبت على عهدك  
و قاوم اهل الشقاق ای ربّ ائیده فی جمیع الشؤون یاربّی الخنو  
و انطقه فی محافل التقدیس و مجامع التوحید بذکرک و ثنائک  
و اشدّ دازره علی خدمتک و البسه خلع التشریف برحمتک و  
توجه بتاج العبودیة فی عتبة قدسک العلیة و قدرله خیراً  
یتباهی به بین الملاء المقربین و یشرق وجهه بالتور المبین  
یا رحمن و یا رحیم ای ربّ هب له هذه الورقة البدیعة امتک  
المجدیده و متسها فی ملکوتک نوراء اتک انت الواهب المقتد  
الکریم و انک انت الرحمن الرحیم ع ع

### هُوَّ الْاِبْهَى

ای دمساز پرنیاز شیراز آوازه اش همیشه جهانگیر بود  
و شهناز مرغ اربیش بهفت اقلیم میرسید چنانچه دیوان <sup>ش</sup> شعرا  
در هر کشوری منتشر و فصاحت و بلاغت اربایش در هر اقلیمی  
مشتهر و بهرلسانی مترجم گویند هوای شیراز فرح انگیز است  
و نشاط خیز چرا در چنین بهار مستمتری که شرق و غرب با احاطه <sup>نمود</sup>

و این ربیع بدیعی که بساط لطافت گسترده و بدایت این ربیع  
 طلوع نیر آفاق نهایتش پانصد هزار سال مرغان چمن  
 اگر در این بهار گل و سمن بنغمه و آهنگ نیابند در چه موسمی  
 در شاخسار عرفان گللبانک رحمان زنند و درس مقامات  
 معنوی دهند باری آن اقلیم موطن مبشر عظیم بود و آن  
 کشور مشرق آن کوكب منور باید شعله اش شدید باشد  
 و نورش پدید شهابش ثاقب گردد و سهامش نافذ شمشیرش  
 جهانگیر گردد و کوكبش مهر منیر دریایش پر جوش بود و <sup>نهنگش</sup>  
 پر خروش عینش نابغ گردد و سراجش ساطع نسیمش <sup>بخش</sup>  
 شود و تسنیمش روح بخش جنود عرفانش طلایه فتوح گردد  
 و جیوش ایقانش مؤید بملکوت رب و دور تا علم محبة الله  
 بلند گردد و ارکان امر الله ارجمند اینست سزاوار آن مزار  
 و اینست لائق آن دیار فرصت غنیمت شمار تا توانی در این  
 سبیل دو اسبه بران و بمنزل مطلوب برس و شاهد مقصود  
 در آغوش آور مبلغ نوزده قران که بآن شخص محترم تسلیم

نموده بودید رسید ع

## هو الله

ای ثابت بر پیمان مکاتیب ملاحظه گردید و بر معانی اطلاق  
 حاصل گشت فی الحقیقه مدتیست در آن صفحات مشغول  
 بخدمات هستید و مألوف بترتیل آیات بینات مکتب <sup>سکون</sup>  
 در محلی معلوم چون امتداد یابد لابد قدری ملال حاصل گردد  
 حق باشماست جمیع کائنات متحرکند و بسبب حرکت عمومی  
 انتظام عالم وجود برقرار هر کائنی از کائنات اگر در مقمری <sup>ستقر</sup>  
 یابد و از حرکت بازماند لابد فتوری حاصل شود نسیم باید  
 دائماً بوزد دریا باید موج و حرکت نماید نجوم باید انتقال در  
 بروج کند پس از برای انسان نیز گاهی حرکت لازم لهذا  
 همچنانکه مرقوم نموده بودید اگر ممکن گردد که براحت و آسایش  
 مدتی بجهات دیگر سفر نماید بسیار مقبول و همچنین جناب  
 میرزا شکوهی اگر بصفحات لرستان و کردستان و بختیاری <sup>برود</sup>  
 و عبور فرمایند شکوهی تازه یابند و امیدوارم که فتوح جدید  
 فرمایند زیرا در طرف لرستان و ایلیات آن صفحات و بختیاری

نفوس مستعدی موجود ولی مُبلغی عبور و مرور نمود اگر جناب شکوهی بشکوهی یعنی در نهایت تنزیه و تقدیس بلباس عرفان بآن نواحی سفر نمایند امید است که ثمر حاصل گردد  
ولیس ذلك على الله بعزير ع

## هو الله

رشت حضرت ابتهاج الملك عليه بها، الله ايها الإبتهاج  
كن كالسراج الوهاج في زجاج محبت الله تا ابتهاج روحانيا  
گردی و امتزاج بين آب و آتش دهی زیرا بتجليل آب و آتش را  
آمیزش توان داد و عليك التحية والثناء رشت  
حضرت مدبر الممالك عليه بها، الله اي ثابت بر پيمان  
تدبير در امور عبارت از اتقانست يعنى بايد هر امری را  
چنانکه بايد و شايد اجرا نمود مثلاً جام نور انير صهبای  
رحمانی بايد چنانچه شاعر گفته رِق الزجاج و راقته النحر  
و تعاكسا فتشابه الامر و كانما قدح و لاخمر صفای جام  
و لطف باره هر بری آئینه اولشدر تعاكسا نطولا ئی شبهه به

میدان قالمشدر دگل صهبای جانپور و باقن الحق قدح دربو  
دگل بوجام یا قوتی می الحق سایه صالمشدر پس معلوم گردید  
که فیض رحمانیرا قلب نورانی لازم و پرتو شمس حقیقت را آینه  
جهان نفا سزاوار و عليك التحية والثناء رشت حضرت  
سعید الملك عليه بها، الله اي بنده پروردگار سعادت عالم  
ملك چون با بشارت عالم ملکوت توام گردد نور علی نور شود  
انشاء الله بهر دو فائزی و عليك التحية والثناء رشت حضرت  
مبصر الملك عليه بها، الله اي ثابت بر پيمان بصر در عالم الملك  
كشفا صور اشیا نماید ولی بصیرت در عالم ملکوت کشف حقا  
ممکنات کند امید وارم که بهر دو موفق و مؤید و فائز باشید  
و عليك التحية والثناء رشت حضرت حاجی آقا خلیل علیه  
بها، الله اي خلیل جلیل حمد خدا را که بنور انیت جهان  
الهی عزیز و نبیلی و در نار نمرودی گلشن رحمانی یافتی و از  
عون و صون جبریل نیز رخ بتافتی در خطاب الك حاجة اما  
اليك فلا گفتی و عليك التحية والثناء رشت حضرت آقا  
سید محمد مجتهد علیه بها، الله اي سید بزرگوار عالم انوار است

ومعرض اسرار ومصدراً ثار افق حقیقت روشن است  
 وانجمن رحمانی غبطة صحرا وچمن وقت نوبهار ست و سیر <sup>گلگشت</sup>  
 وگلبن وگلزار ومن بیاد تو مشغول و مسرور در لیل ونهار وعلیک  
 التحیة والثناء رشت جناب میرزا علی رضا خان علیه بهاء الله  
 ای یار مهربان بشارات حضرت رحمن پیای است و پیک نیک <sup>بی</sup>  
 مژده الطاف حضرت یزدان میدهد بلبل گلبنانک صلح و صفا  
 میزند ومژده صلح وامان میرساند وآیات راستی وآشتی  
 ترتیل مینماید پس تا توانی در سلامت عموم بکوش و جزا لفت  
 ومحبت میندیش وعلیک التحیة والثناء رشت جناب  
 میرزا محمد علی خان علیه بهاء الله ای دوست صمیمی من <sup>ستی</sup> برا  
 وحق پرستی انسان در عالم امکان روشن وتابان گردد الحمد لله  
 رخ بنور محبت الله روشن داری وکاخی بانجمن یاران گلشن  
 وعلیک التحیة والثناء رشت جناب میرزا ابوالقاسم <sup>بن</sup>  
 علیه بهاء الله ای یار دیرین الحمد لله در بهار روحانی مانند  
 گل رحمانی پیرهن چاک نمودی وشکفته ومشکبار گشتی وعلیک  
 التحیة والثناء رشت جناب آقا سید اسد الله علیه بهاء <sup>الله</sup> ا

ای بنده الهی اینجهان فانیرا بقائی نه واین خاکدان ترا بی  
 صفائی نه و یاران جسمانی را وفائی نه مرغ چمنستان حقیقت  
 البته هر وقت آرزوی گلشن تقدیس نماید وبگلبن معانی  
 پرواز خواهد وعلیک التحیة والثناء رشت جناب آقا  
 سید مهدی علیه بهاء الله ای بنده الهی نور هدایت چو  
 در شبستان دل پر تو انداخت جان را از تقید آب وگل رها <sup>ئی</sup>  
 بخشید جهان دیگر یافت وبگلشن دیگر شتافت وعلیک التحیة  
 والثناء رشت جناب آقا سید ناصر علیه بهاء الله ای <sup>رحمانی</sup>  
 انشاء الله منصور و مؤیدی وموفق در عبودیت  
 آستان مقدس بنده شاطری و بیچارگانرا معین و ناصر وعلیک  
 التحیة والثناء رشت جناب آقا میرزا عیسی حکیم علیه <sup>الله</sup> بها  
 ای طبیب قلوب حکمت یونانیان روای جسمانیان نماید و  
 حکمت لقمانی وطب رحمانی علاج دل جان کند امیدوارم  
 که بهر دو مؤید گری وعلیک التحیة والثناء رشت جناب  
 میرزا آقای حکیم علیه بهاء الله ای حکیم حلیم بیماران را بروح  
 وریحان معالجه نما وتا توانی دل وجان شادمان کن بسرور و <sup>خا</sup>

امراض و علل بی پایان را تا دوی ممکن زیرا قلب چون فوج یا  
تأثیر عظیمی در جسم و تن نماید و طبیب بتفریح و تبشیر و تسریر  
روحانی علاج عظیم تواند و عليك التحية والثناء رشت  
جناب حاج میرزا محمد ارباب علیه بهاء الله ای ثابت <sup>بها</sup>  
ارباب جمع رب است و ربوبیت وجود در عبودیت درگاه <sup>حضرت</sup>  
مقصود تا توانی در این مقام ثابت و مستقیم باش تا جمیع اشیا را  
طائف حول بینی و عليك التحية والثناء رشت جناب ناظم  
میزان علیه بهاء الله ای بنده رحمن میزان قویم و قسطاس  
مستقیم الیوم عهد و پیمانست جمیع باین میزان موزون گردند  
و اما من ثقلت موازینہ فهو فی عیثة راضیه و اما من خفت  
موازینہ فامه هاویه و عليك التحية والثناء رشت جناب  
سراج دیوان ای بنده بها مانند شمع در بین جمع یاران <sup>بفرود</sup>  
و چون شاهد عشق در آنجمن رحمن پرده بسوز نور تابان شو  
و جلوه بی پایان نما و عليك التحية والثناء رشت جناب  
آقا علی علیه بهاء الله ای بنده حق عالم امکان را انقلابات  
بمجد و پایانست گهی او جست و گهی حسیض گهی سوداست

و گهی زیان امر معسور عاقبت میسور گردد و شدت بر خا  
تبدیل شود و عليك التحية والثناء رشت جناب آقا غلام  
علیه بهاء الله ای بنده ثابت الهی محزون مشو مغموم مگر در <sup>لین</sup>  
منشین محمود مشو امور را حکمتی در پی و زحمت را رحمتی در <sup>عقب</sup>  
شجر چون بی برگ گردد سبز و خرم شود و مرغ مقصود <sup>الجنح</sup>  
رتازه برویاند و هلال ضعیف بدر منیر گردد لا تخزن ان الله  
معنا و عليك التحية والثناء ع

## هو الله

ای بهاج پرا بهاج دیروز که روز پنجم جمادی الاولی یوم  
بعثت حضرت اعلی بود در حوالی بقعه مبارکه مرقد مقدس  
روحی لثربته الفدا سرا پرده را زدند و در کمال روح و رحمان  
بزم سرور آراسته گشت و جمیع احتبای الهی از مهاجرین و مجاورین  
و مسافری کل حاضر و با وجوه ناضره مستبشره بذکر حق و <sup>بهجت</sup>  
دبشارت و مسرت بیوم بعثت حضرت سراسر بشارت روحی  
له الفدا مجتمع گشتند و مهمانی موعود آنجناب مجزی شد

و در نهایت روحانیت از صبح تا دو ساعت از شب گذشته  
 امتداد یافت بعد از تلاوت الواح مخصوصه و مناجات و قصائد  
 و محامد جمال قدم روحی لأحبائه الفدا و حضرت اعلیٰ بنفسی  
 له الفدا و صحبت و نضاح مائده حمد و در شد و بیاد شما نهار صر  
 گشت و بعد قدح چای بدو درآمد و پس از آن جمیع یاران در  
 کمال خضوع و خشوع رو بروی مقده نمودند در نهایت  
 تذلل و انکسار جمعاً بشرف تقبیل آستان مقدس مشرف  
 شدیم زیارت تا قریب یک ساعت بعد از مغرب امتداد یافت  
 و تمام سراجهای بقعه مطهره را بدست خود روشن نمودم  
 و بالتیابه از شماروی و موی را بتراب آن درگاه معطر و معبر  
 کردم و همچنین بالوکاله از جناب محمد علی خان علیه بهاء الله  
 الاهی و طلب عنایت مخصوصه شد فی الحقیقه آن روز در نهایت  
 روحانیت منتهی شد و این از اعظم دلائل خلوص و محبت آن  
 جناب است جناب آقا محمد حسن مهماندار من و خادم احب  
 الھی فی الحقیقه نهایت جدیت را نمودند

و همچنین ساثر احباء ع

## هو الله

ای آواره حق از تسلط خلق مجبور بر رحلت از گیلان بطهران  
 گشتی و آواره و سرگردان شدی عبدالبهائی با چشمی اشکبار  
 زگر شهادت ابرار و مصیبت احرار در لیل و نهار مینماید و  
 آنی راحت و فراغت نجوید ولی اگر جمیع مصائب را بغوائل و  
 متاعب عبدالبهآء قیاس خواهی حکم قطره و دریا دارد بکت  
 علی ضره و بلائه اهل الملاء الاعلیٰ و ارتفع نجیب البکاء من  
 اهل ملکوت الاهی از جمله بلائی و فایان ناقضان که بظاً  
 نزد یاران اظهار ثبوت مینمایند و در باطن خفیا ترویج نقض  
 میکنند و تیشه بر بنیان الھی میزنند و گمان دارند که عبدالبهآء  
 غافل است و امر بر او مشتبه میشود مقصود ایقاظ آنجناب آن  
 که بیدار باشید که شخصی در طهران هست که الآن پنج شش  
 سالست که خفیا با ناقضین راه دارد و ترویج نقض در سر  
 مینماید و عبدالبهآء محض ستاری سکوت میکند که شاید  
 متنبه گردد و از این جفا و خطا دست بردارد او بر عکس توهم



اشتباه در حق عبدالبهاء مینماید و آن شخص بعضی با آنجناب  
 نیز مدارا میکند و بهر وسیله و حکایت و روایت خفیا القاء  
 شبهات آرزو دارد ملتفت باشید و چون رائحه نقض از او استش  
 نمودید در کمال مهربانی نصیحت کنید که ای بی فکر حیف تونبا  
 که چنین خود را در ورطه هلاک نقض بدون سبب اندازی و  
 مغضوب جمال مبارک و مبعوض اهل حق نمائی مرکز نقض  
 ملاحظه کن و عبرت گیر که آن عزت پایدار بچه زلتی مبدل شد  
 و گمان منما که عبدالبهاء بیش از این تحمل نماید زیر نفوس  
 دیگر نیز در خطر افتند لهذا تکلیف او اینست که دست از ستا  
 ر کشد مگر آنکه توبه نمائی و نادم شوی باری آنجناب بسیار  
 با و نصیحت نمائید اگر نپذیرفت فسوف يأخذه الله اخذ غور  
 مقتدر و هذا وعد غیر مکذوب و عليك التحية والثناء ع

هو الله

ای سر مست جام پیمانۀ پیمان نامه که بنام جناب حاجی  
 سید جواد مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مختصر مال

اینکه در امور تجارت حضرت سمندر خلی عارض و یاران قزو  
 چنین رأی زدند که تفریق بین الفریقین گردد ولی این خرق  
 التیام نیابد بلکه بنظر چنین آید که کار مشکلتر گردد و عقده  
 محکمتر شود انتهی ای ثابت ثابت حضرت سمندر فی الحقیقه  
 مهر پرورند و بقدر امکان طالب التیام مگر آنکه اسباب چنین  
 فراهم آید که از عهدہ بر نیایند و جناب آقا علی نیز نهایت همت را  
 در حسن التیام داشته و دارند و آرزوی بقای وحدت تجا  
 داشتند و تصور و فتوری نخواستند ولی کار مشکل شد پس  
 باید یاران الهی چه در رشت و چه در قزوین بر ای رزین فکر  
 در بین در این قضیه تدبیری نمایند که این خرق التیام یابد  
 و این قضیه را اهتمام دهند رأی زنند و مشورتی نمایند و بهر  
 وسیله که باشد اسبابی فراهم آرند که حضرت سمندر و آقا علی  
 راحتی حاصل گردد و از تشمت امور فراغتی حاصل شود زیرا  
 آن قلب پاک حیف است که در تشویش دیون و اضطراب مان  
 یاران باید در چنین موقعی قوت خلوص و حسن آراء و فوائد  
 شور بنمایند و بکمال روح و ریحان بتأیید حضرت یزدان تمشیت

اموریکدیگر رهند تا هر پاک جانی از شدت زحمات و ورطه  
مشقات نجات یابد و علیک التحیة والثناء ع

فهرست مطالع الواح جلد پنجم مکاتیب مبارک

- ۱ الله ابهى - ای بنده \* جمال ابهى صفحه
- ۲ " الله ابهى - ای دوستان الهی
- ۳ " هو - ای ثابت برپیمان
- ۴ " هو الابهى - ای احبای حضرت سلطان ...
- ۵ " هو الابهى - ای امة الله جميع بانوهای ...
- ۶ " هو الابهى - ای امة الله حضرت طبیب قلوب"
- هو الابهى - ای امة \* مبتهله \* خاشعه \* جمال
- ۷ " ابهى
- ۷ " هو الابهى - ای انفحات القدس
- ۹ " هو الابهى - ای بنده \* آستان مقدس الهی
- هو الابهى - ای بنده \* الهی \* الیوم جهان
- ۱۰ " فانی
- ۱۱ " هو الابهى - ای بنده \* جمال قدم
- ۱۲ " هو الابهى - ای بنده \* جمال مبارک
- ۱۲ " هو الابهى - ای بنده \* حق ثابت برعهد
- ۱۳ " هو الابهى - ای بنده \* حق خوش باش
- ۱۴ " هو الابهى - ای بنده \* دیرین جمال قدم
- ۱۵ " هو الابهى - ای ثابت برپیمان نامه \* شمارسید"

- هو الابهی - ای ثابت راسخ برعهدو  
میثاق الّهی صفحه ۱۷  
هو الابهی - ای جمع چون شمع ۱۷  
هو الابهی - ای دو برادر چون دو فرقدان ۱۸  
هو الابهی - ای دوستان جمال قدم ۱۹  
هو الابهی - ای دو صبیّه آن شهید سبیل الّهی ۲۰  
هو الابهی - ای زائر مطاف ملاء اعلى ۲۰  
هو الابهی - ای شمع پر نور محبت الله ۲۱  
هو الابهی - ای ضیف المقربین ۲۲  
هو الابهی - ای عبد الحسین و ای همنام ۲۳  
هو الابهی - ای قلب متعلق به حبّ الّهی ۲۳  
هو الابهی - ای متوجه به دیار الّهی ۲۵  
هو الابهی - ای مسافر من الله الی الله ۲۶  
هو الابهی - ای مظهر وفای حقّ ۲۷  
هو الابهی - ای ملحوظ نظر لحظات  
عین عنایت ۲۸  
هو الابهی - ای منجذب بذكر الله ۲۸  
هو الابهی - ای منسوب به آن شهید سبیل  
الّهی ۳۰

- هو الابهی - ای موقن به آیات الله صفحه ۳۰  
هو الابهی - ای موقن به آیات الله آنچه  
بجناب حاجی ... ۳۱  
هو الابهی - ای موقن به آیات الله در  
جمع دوستان ۳۳  
هو الابهی - ای مؤمن به آیات الله آن  
سراج اگرچه ... ۳۳  
هو الابهی - ای مؤمن ممتحن ۳۴  
هو الابهی - ای مهتدی بنور هدایت ۳۵  
هو الابهی - ای مهدی ۳۶  
هو الابهی - ای ناظر الی الله ۳۶  
هو الابهی - ای ناظر به ملکوت ابهی ۳۷  
هو الابهی - ای ناظر به ملکوت تقدیس الّهی ۳۸  
هو الابهی - ای نفوس ثابت راسخ ۳۹  
هو الابهی - ای نهال بیهمال بوستان  
آن شهید مجید ۴۱  
هو الابهی - ای ورقه متحرکه مهتزه از  
نفحات الله ۴۲  
هو الابهی - ایها المتوجه الی الملكوت الابهی ۴۲

هو الله - ای امة الله عبدالبهاء ترا

۵۷ صفحه به محبت حضرت کبریا خواند

۵۸ هو الله - ای امة الله مکتوبت ملاحظه گردید"

۵۹ " هو الله - ای امة الله ورقه موقنه

۵۹ " هو الله - ای انجال آن دوست حقیقی

۶۱ " هو الله - ای بنده آستان مبارک

۶۳ " هو الله - ای بنده بهاء

۶۴ " هو الله - ای بنده حق

۶۴ " هو الله - ای بنده درگاه الهی

هو الله - ای بنده درگاه آلهی نامه های

۶۵ " سابق نرسید

۶۶ هو الله - ای بنده مقرب درگاه کبریا

۶۶ هو الله - ای ثابت برپیمان چند ماه پیش

۶۷ هو الله - ای ثابت برپیمان شکر کن خدا را

هو الله - ای ثابت برپیمان نامه آن جناب

۶۸ " رسید

هو الله - ای ثابت برپیمان نامه شما

۶۹ " رسید

۶۹ هو الله - ای ثابت برپیمان نامه شما و وصول

یا فحت

هو الابهی - ای یاران الهی دست تضرع

۴۳ صفحه و نیاز

هو الابهی - ای یاران یزدان و جناب

۴۴ " عبدالحسین

هو الابهی - مولای مولای لك الحمد بما

۴۵ " سبقت رحمتك

هو الابهی - یا مقصود المشتاقین و مطلوب

۴۷ " المخلصین

۴۸ " هو الابهی - یا من اخلص وجهه لله

هو الابهی - یا من منتمی الی من شرب

۴۹ " کاءس الفدا

۴۹ " هو الابهی الابهی - ای اهل قریه مبارکه

هو الابهی الابهی - ای دو کوب ساطع مطلع

۵۳ " محبت الله

هو الابهی الله ابهی - اللهم ان هذا

۵۴ " طیر طار الی ریاض غوک و مغفرتك

هو الله - اللهم یا واهبی و محبوبی و

۵۴ " مطلوبی

۵۷ " هو الله - ای آشفته موی دوست

۸۵	صفحه	هو الله - ای سرج اشراقی
۸۶	"	هو الله - ای سرمست پیمانه * پیمان
۸۸	"	هو الله - ای سرهنگ ملکوتی
۸۸	"	هو الله - ای سلیل شهید مجید
۸۹	"	هو الله - ای سلیل عم جلیل
۹۱	"	هو الله - ای شوقی
۹۱	"	هو الله - ای شیر بیشه * محبت الله
۹۲	"	هو الله - ای ضیف الذاکرین
۹۳	"	هو الله - ای طیرحدیقه * ابتهال
۹۵	"	هو الله - ای عمادرحمن واما * حضرت یزدان
۹۶	"	هو الله - ای عبدالحسین چون بنگارش
۹۷	"	هو الله - ای عبدالحسین عنوانی شیرین تر
۹۸	"	هو الله - ای کنیزجمال ابهی
۹۹	"	هو الله - ای کنیزشورانگیزایزدی
۹۹	"	هو الله - ای کنیزعزیزالهی مضمون نامه بدیع بود
۱۰۱	"	هو الله - ای کنیزعزیزالهی نامه رسید
۱۰۲	"	هو الله - ای متوجه بملکوت ابهی فیض نامتناهی

۷۰	صفحه	هو الله - ای ثابت برپیمان نامه * که بتاریخ
۷۱	"	هو الله - ای ثابت برپیمان نامه * که به جناب منشادی
۷۲	"	هو الله - ای ثابت برپیمان نامه * مرقوم ملحوظ گردید
۷۳	"	هو الله - ای ثابت برپیمان نامه های متحد شمارسید
۷۴	"	هو الله - ای ثابت برمیثاق
۷۴	"	هو الله - ای جلیل جمیل الاخلاق
۷۶	"	هو الله - ای حبیب دل و جان
۷۸	"	هو الله - ای خاندان حضرت عم بزرگوار
۷۹	"	هو الله - ای دو برادر پاک گهر
۷۹	"	هو الله - ای دو بنده * صادق
۸۰	"	هو الله - ای دو حمامه * ایکه * عرفان
۸۱	"	هو الله - ای دو ستاره روشن افق محبت الله
۸۲	"	هو الله - ای دوستان ثابتان عبدالبهاء
۸۴	"	هو الله - ای دوستان جان نثاران
۸۴	"	هو الله - ای دو یار محترم

۱۳۲	صفحه	اللہ ابھی۔ الحمد لله الذی
۱۳۳	"	هو اللہ۔ الہی الہی هو الاعباد
۱۳۵	"	هو الابھی الابھی۔ الہی قد اشتعل
۱۳۷	"	هو الابھی۔ الہی الہی تری اعین احبائك
		هو الابھی الابھی۔ ای ثابت برییمان
۱۳۸	"	مکتوبی کہ
		هو الابھی۔ ای امۃ اللہ آنچہ مرقوم نمودہ
۱۴۰	"	بودی
		هو الابھی۔ ای امۃ اللہ ورقہ موقنہ
۱۴۰	"	حضرت آقا سید نصر اللہ
۱۴۱	"	هو الابھی۔ ای بندہ آستان مقدس
۱۴۱	"	هو الابھی۔ ای بندہ ثابت راسخ جمال قدم
		هو الابھی۔ ای بندہ جمال قدم حمد
۱۴۳	"	کن حق را
۱۴۳	"	هو الابھی۔ ای بندہ حق و الفت یاران
۱۴۴	"	هو الابھی۔ ای ثابت برمیثاق از آثار باہرہ
۱۴۵	"	هو الابھی۔ ای ثابت برمیثاق خبروصول
۱۴۶	"	هو الابھی۔ ای حبیب من
۱۴۷	"	هو الابھی۔ ای خادم جمال قدم

		هو اللہ۔ ای متوجہ بملکوت الہی سلمان
	فارسی	
۱۰۲	صفحه	
۱۰۳	"	هو اللہ۔ ای بندہ جمال قدم حضرت زین
۱۰۴	"	هو اللہ۔ ای منتسب عزیز عبد البہاء
۱۰۶	"	هو اللہ۔ ای منجد بان جمال ابھی
۱۰۷	"	هو اللہ۔ ای منجد بان بنفحات اللہ
۱۰۸	"	هو اللہ۔ ای منسوب نیر آفاق
۱۰۹	"	هو اللہ۔ ای مؤمنان ای موقنان
۱۰۹	"	هو اللہ۔ ای نابت از شجرہ مبارکہ
۱۱۰	"	هو اللہ۔ ای والدہ جناب مہدی
۱۱۱	"	هو اللہ۔ ای ورقہ مطمئنہ الیوم
۱۱۱	"	هو اللہ۔ ایہا الخلیل الابراہیم الجلیل
۱۱۲	"	هو اللہ۔ ای یاران محفل روحانی
۱۱۳	"	هو اللہ۔ خداوند مہربان از فرط عنایت
۱۱۳	"	هو اللہ۔ رب ورجائی اتی امرغ جبینی
۱۱۸	"	هو اللہ۔ مراسلہ آنجناب واصل
۱۲۸	"	هو اللہ۔ یامن سمی عبد الجمالہ العظیم
۱۲۸	"	هو اللہ۔ یامن نظم عقود لثالی الثناء علی اللہ
۱۲۹	"	هو المشفق فی ملکوت الانشاء۔ ہیکل عالم

- هو الابهی - ای ساعی در خدمات امر الهی صفحه ۱۴۷
- هو الابهی - ای ساعی در خدمت امر الله ۱۴۸
- هو الابهی - ای سرمست باده موهبت رحمانی ۱۴۹
- هو الابهی - ای شمع محبت جمال مبارک ۱۵۰
- هو الابهی - ای عاشقان جمال رحمانی ۱۵۱
- هو الله - ای مشتعل به نار محبت الهی ۱۵۲
- هو الابهی - ای مشتعل بخدمت امر الله ۱۵۳
- هو الابهی - ای مهتدی بنور هدایت کبری ۱۵۴
- هو الابهی - ای ناظر مملکت ابهی ۱۵۵
- هو الابهی - ای واقف اسرار یوم نشور ۱۵۵
- هو الابهی - ای ورقه مبارکه فردوس الهی ۱۵۶
- هو الابهی - قدشهد الوجود ... ۱۵۷
- هو الله - ای ثابتان میثاق وراسخان پیمان ۱۵۷
- هو الله - ای ثابت برپیمان از فضل بی پایان ۱۵۸
- هو الله - ای ثابت برپیمان از مشاهده ۱۵۹
- هو الله - ای ثابت برپیمان الحمد لله آچه ۱۶۰
- هو الله - ای مهتدی بنور هدایت کبری ۱۶۲
- هو الله - ای بنده حق ۱۶۳
- هو الله - ای ثابت برپیمان ایامی چند ۱۶۴

- هو الله - ای ثابت برپیمان ایامی چند
- پیش از این صفحه ۱۶۵
- هو الابهی - ای بنده صادق رحمانی ۱۶۶
- هو الله - ای ثابت برپیمان در جمیع اوقات ۱۶۷
- هو الله - ای ثابت برپیمان در جمیع احیان ۱۶۷
- هو الله - ای ثابت برپیمان جناب جمشید
- خداداد ۱۶۹
- هو الله - ای ثابت برپیمان وراسخ برعهد ۱۶۹
- هو الله - ای ثابت برمیثاق نظامنامه ۱۶۹
- انجمن خیری ۱۷۲
- هو الله - ای یار مهربان عبدالبهاء ۱۷۳
- هو الله - ای ثابت راسخ برعهد و پیمان ۱۷۶
- هو الله - ای ثابت عهد و راسخ میثاق ۱۷۸
- هو الله - ای راسخ پیمان وثابت دل و جان ۱۷۹
- هو الله - ای سرگشته و سودائی حق ۱۸۳
- هو الله - ای سرمستان جام الست ۱۸۴
- هو الله - ای قائم بر خدمت ۱۸۵
- هو الله - ای مسجون لیلای حقیقی رامجنونی ۱۸۶
- هو الله - ای نصر الهی بحسب اشاره ۱۸۶

۲۰۴	صفحه	هو الله - ای هزارگلزار الهی
۲۰۵	"	هو الله - ای هزارهزارستان
۲۰۵	"	هو الله - ای بارید الهی
۲۰۶	"	هو الله - ای عندلیب گلشن معانی
۲۰۸	"	هو الله - ای عندلیب حدیقه حقائق ومعانی
۲۰۹	"	هو الابهی - ای عندلیب گلشن ابهی
۲۰۹	"	هو الله - ای عندلیب معنوی
		هو الابهی الله ابهی - ای عندلیب حدیقه
۲۱۰	"	ابهی
		هو الابهی - اللهم یا الهی ترانی کلیل
۲۱۱	"	اللسان
۲۱۲	"	هو الله - یابن عندلیب
۲۱۳	"	هو - عندلیبیا، حبیبیا، ادیبیا، لبیبیا
۲۱۳	"	هو الله - ای بلبل خوش الحان
۲۱۴	"	هو الابهی - یامن اجتهد بروحه وذاته وکیونته
۲۱۵	"	الله ابهی - جناب عندلیب
۲۱۷	"	هو الابهی - ای سمی حضرت مقصود
۲۱۷	"	هو الله - ای سلیل عندلیب جلیل
۲۱۸	"	هو الابهی - ای رب هذا عندلیب ریاض ثنائک

۱۸۷	صفحه	هو الله - ای مظهر بخشش الهی
۱۸۹	"	هو الله - ای نصر الهی فی الحقیقه
۱۹۰	"	هو الله - ای ثابت بر پیمان حمدکن خدارا
۱۹۰	"	هو الله - ای نهالهای باغ الهی
۱۹۱	"	هو الله - ای ورقه موقنه اگرچه
۱۹۱	"	هو الله - ایها المتمسک بالعروة الوثقی
۱۹۲	"	هو الله - ای هرمزد یار دردیار الهی درامدی
۱۹۲	"	هو الله - ای یار باوقای عبد البهائم همواره
۱۹۳	"	هو الله - ای یاران عزیز عبد البهائم و اما رحمن
۱۹۵	"	هو الله - ای یار روحانی حمد خدارا
		هو الله - ای یار صادق عبد البهائم در محیط
۱۹۶	"	آب
۱۹۷	"	هو الله - ای یار قدیم آنچه بجناب
۱۹۹	"	هو الله - ای یاران زین آنچه نکاستی
		هو الله - یامن تمسک بالعروة التي لا انفصام لها
۲۰۰	"	
۲۰۱	"	هو الله - یامن تمسک بالعروة الوثقی
۲۰۲	"	هو الله - یامن هو نصر من الله
۲۰۳	"	هو الابهی - ای عبد بهائم موسیقی



فهرست اسامی اشخاصی که مخاطب الواح

بوده اند • (مکاتیب پنجم)

صفحه	صفحه
۱	یزد، جناب حاجی حسین باقر علیه بهاء الله الابھی
۲	احبای الهی علیهم بهاء الله الابھی ملاحظه نمایند
۳	احبای شاهرود علیهم بهاء الله الابھی ملاحظه نمایند
۵	بواسطه جناب حکیم علیه بهاء الله — ق — امة الله خاصه بنت کربلائسی محمد حسین علیها بهاء الله الابھی
۶	ق — امة الله زهرا سلطان ضلع جناب حکیم علیها بهاء الله الابھی
۷	خدیجه ضلع ابراهیم بن نداف
۷	بواسطه جناب امین
	ط — امة الله ثمره طیبه زکیه دوحه احدیه علیها بهاء الله الابھی
۹	ارضیا — جناب حاجی حسین علیه بهاء الله ملاحظه نمایند

۲۱۹	صفحه	هو الابھی — ای دسازیرنیاز
۲۲۱	"	هو الله — ای ثابت برییمان
۲۲۲	"	هو الله — رشت حضرت ابتهاج الملك علیه بها الله
۲۲۷	"	هو الله — ای بهاج پر ابتهاج
۲۲۹	"	هو الله — ای آواره حق
۲۳۰	"	هو الله — ای سرمست جام پیمانہ پیمان

صفحه	۱۱	توسط آقا محمد ، جناب آقا رحیم قزوینی
"		علیه بہاء اللہ الابهی
"	۱۲	ط - جناب آقا میرزا عبدالحسین خادم
"		علیه بہاء اللہ الابهی
"	۱۲	یزد - جناب حاجی حسین علیہ بہاء
"		اللہ الابهی
"	۱۳	بواسطہ جناب امین ط - جناب میرزا
"		عبدالحسین پسر خادم ہاشمی علیہ
"		بہاء اللہ الابهی
"	۱۴	جناب حاجی حسین الذی فاز بمشاہدہ
"		اللقاعیہ بہاء اللہ الابهی ملاحظہ -
"		نمایند
"	۱۷	جناب نبیل مسافر علیہ بہاء اللہ الابهی
"		ملاحظہ نمایند
"	۱۷	اعضای شرکت جدیدہ در طہران علیہم
"		بہاء اللہ الابهی
"	۱۸	جناب مہدی ، جناب مسیح من شامروود

صفحه	۲۰	یزد - ورقتان موقتاً و صبیہ جناب آقا
"		ملا علی شہید علیہما بہاء اللہ الابهی
"	۲۰	جناب زائر آقا محمد جعفر علیہ بہاء اللہ
"		الابهی
"	۲۱	جناب نور اللہ خان علیہ بہاء اللہ الابهی
"	۲۲	بواسطہ جناب آقا میرزا جعفر - اصفہان
"		جناب سیف الذاکرین علیہ بہاء اللہ
"		الابهی
"	۲۳	جناب میرزا عبدالحسین بن خادم ہاشمی
"		علیہ بہاء اللہ الابهی
"	۲۲	ارضیا - جناب حاجی حسین علیہ بہاء
"		اللہ الابهی ملاحظہ نمایند
"	۲۴	یزد - خدمت حضرت محبوب فواد حاجی
"		حسین ابن آقا محمد باقر علیہ ۶۶۹ رسیدہ
"		ملاحظہ فرمایند
"	۲۶	ط - جناب حاجی حسین علیہ بہاء اللہ
"		الابهی ملاحظہ نمایند

صفحه	۳۴	ط - بواسطه جناب علاقہ بند جناب آقا محمد حسین اصفہانی
"	۳۵	ط - جناب خ علیہ بہاء اللہ
"	۳۶	شامروود جناب آقا میرزا مہدی علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۳۶	جناب میرزا باقر نیریزی علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۳۷	نی - جناب آقا میرزا محمد تقی خان علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۸	م ن - جناب حاجی حسین ت علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۹	لندن - جناب میرزا یوحنا داود - جناب میرزا افلاطون - جناب میرزا یوسف متحدہ
"	۴۱	یزد - جناب آقا عزیز اللہ ابن استشهد فی سبیل اللہ آقا ملا علی شہید - علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۴۲	عشق آباد - ورقہ زکیہ موقنہ ضلع جناب میرزا جعفر علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند

صفحه	۴۷	حضرات - جناب آقا عبدالکریم علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۲۸	بواسطه جناب عبداللہ خان - خوی - جناب حاجی محمد آقا علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۲۸	ما زندران - جناب میرزا محمد علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۰	اخوی زادہ جناب شہید علی الجلیل جناب آقا عبدالکریم علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۰	ابن اخ من استشهد فی سبیل اللہ علی الجلیل جناب آقا محمد ابراہیم علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۱	ارض یا - جناب حاجی حسین یزدی علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۳	نی - جناب میرزا ابوالقاسم علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۳۳	ابن اخ من استشهد فی سبیل اللہ جناب آقا عبدالوہاب علیہ بہاء اللہ - الابہی ملاحظہ نمایند

جناب آقا محمد حسین - جناب آقا محمد		
جعفر - جناب آقا مشهدی علی اکبر -		
جناب آقا میرزا مهدی - جناب آقا		
میرزا مسیح - جناب آقا مشهدی		
اسد اللہ - جناب آقا شیخ محمد علیہم		
بہاء اللہ الابہی		
شاہرود - احبای الہی علیہم بہاء	۵۴	صفحہ
اللہ الابہی		
عشق آباد جناب آقا میرزا جعفر علیہ	۴۷	"
بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند		
ہندیان - جناب آقا محمد علیہ بہاء	۴۸	"
اللہ الابہی ملاحظہ نمایند		
ابن اخ من استشهد فی سبیل علی	۴۹	"
الجلیل جناب آقا محمد تقی علیہ -		
بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند		
شاہرود - جناب آقا میرزا مهدی و	۵۳	"
جناب آقا میرزا مسیح ابناء ملاغلامرضا		
علیہما بہاء اللہ		
ق - طلب مغفرت لمن صعد الی اللہ	۵۴	"

صفحہ ۴۲	خضرا * - جناب آقا سید عبدالغنی
	علیہ بہاء اللہ ملاحظہ نمایند
۴۳ "	نیریز - جناب میرزا بابا - جناب -
	میرزا احمد - جناب آقا عاس جناب
	اسد اللہ - جناب بدیع اللہ علیہم بہاء
	اللہ الابہی
۴۴ "	شاہرود - جناب حاجی باقر قائنی و
	جناب حاجی قائنی علیہما بہاء
	اللہ الابہی
۴۵ "	شاہرود - بواسطہ جناب آقا عبدالحسین
	بن ابوالقاسم یزدی جناب آقا ملا حسین
	- جناب حاجی محمد باقر - جناب حاجی
	محمد طاہر - جناب آقا میرزا محمد شیرازی
	اخوی حضرت شہید - جناب آقا میرزا علی
	اکبر اخوی حضرت شہید - جناب کربلائی
	میرزا محمد - جناب آقا محمد اسمعیل
	اصفہانی - جناب آقا میرزا مهدی خان -
	جناب آقا میرزا کریم خان - جناب آقا
	میرزا سید محمد - جناب آقا محمد باقر

آقا سید رضا علیہ بہاء اللہ الابیہی		
۵۷	صفحہ	خضراء۔ جناب آقا محمد ابراہیم اخوی
		آقا محمد کریم علیہ بہاء اللہ الابیہی
۵۷	"	بواسطہ جناب جوان روحانی ضجیع
		جناب میرزا ابراہیم واولاد امجاد ایشان
۵۸	"	شاهرود۔ امة اللہ الموقنتہ فاطمہ والدہ
		آقا میرزا مہدی صبیہ حاجی الذی
		استشهد فی سبیل اللہ علیہا بہاء اللہ
۵۹		امة اللہ نصرت خانم ملاحظہ نماید
۵۹	"	میان دو آب۔ بواسطہ جناب آقا میرزا
		حسین اخوالشہید جناب آقا فضل اللہ
		وآقا نعمت اللہ و آقا میرزا عباس نراقی
		علیہم التھیۃ والثناء
۶۱	"	طهران۔ مازندران۔ تاکر۔ جناب۔
		آقا میرزا فضل اللہ سلیل حضرت آقا میرزا
		حسن عمومن ادرك مقام صدق علیاً علیہ
		بہاء اللہ الابیہی
۶۲	"	شاهرود۔ جناب مسیح بن متعارج۔
		الی اللہ ملاغلامرضا علیہ بہاء اللہ۔
		الابیہی

۶۴	صفحہ	شاهرود۔ جناب میرزا مہدی سلیمان
		جناب حاجی الذی استشهد فی سبیل
		اللہ علیہ بہاء اللہ
۶۴	"	طهران۔ بواسطہ جناب امین ابو۔
		تراب الحسینی الشیرازی علیہ بہاء اللہ
		الابیہی
۶۵	"	طهران۔ جناب میرزا محمد نوری علیہ
		التھیۃ والثناء
۶۶	"	خوقند۔ جناب آقا محمد جعفر علیہ بہاء
		اللہ الابیہی
۶۶	"	اسکندریہ۔ ہمشیرہ زادہ۔ جناب حاجی
		آقا محمد، جناب آقا محمد حسین یزدی
		علیہ بہاء اللہ الابیہی
۶۷	"	بواسطہ حضرت علی قہل اکبر علیہ بہاء
		اللہ۔ ہمدان جناب داود قلی علیہ۔
		بہاء اللہ الابیہی
۶۸	"	یزد۔ آقا سید علی یزدی علیہ بہاء اللہ
		الابیہی
۶۹	"	خوی۔ جناب آقا میرزا جعفر علیہ بہاء
		اللہ الابیہی

صفحہ	۶۹	شاهرود۔ جناب آقا عبد الجسین بن آقا ابوالقاسم علیہ بہاء اللہ
"	۷۰	لندن۔ بواسطہ آقا میرزا لطف اللہ حکیم علیہ بہاء اللہ الابہی۔ جناب یوحنا بن داود علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۷۱	خوقند۔ جناب آقا میرزا جعفر علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۷۳	بواسطہ جناب میرزا لطف اللہ زائر۔ لندن جناب میرزا داود علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۷۴	یزد۔ جناب حاجی حسین باقر علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۷۴	خوی۔ جناب میرزا جلیل علیہ بہاء اللہ الابہی ملاحظہ فرمائند
"	۷۶	بواسطہ حضرت شہید اسم اللہ ال۔ قدس جناب شیخ قمی علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۷۸	بواسطہ جناب آقا میرزا فضل اللہ والدہ محترمہ شان زہرہ و آقا حسین و تاجی و فرنگیس و والدہ شان علیہ و علیہن
		الجبہاء الابہی

صفحہ	۷۹	بواسطہ جناب آقا محمد اسمعیل زائر۔ جناب آقا حسن و جناب آقا غلامحسین۔ ابنہ حاجی محمد علیہما بہاء اللہ الابہی
"	۷۹	سمرقند۔ جناب آقا میرزا جعفر علیہ بہاء اللہ و جناب آقا محمد صادق یزدی۔ علیہما بہاء اللہ الابہی
"	۸۰	بواسطہ جناب امین۔ قزوین۔ جناب نور اللہ خان و ورقہ رحماتیہ امہ اللہ۔ بدیعہ علیہما بہاء اللہ الابہی
"	۸۱	خوقند۔ جناب آقا میرزا جعفر شیرازی و جناب آقا صادق یزدی علیہما بہاء اللہ
"	۸۲	سبزوار۔ احباب الہی علیہم بہاء اللہ الابہی
"	۸۴	شاهرود۔ جناب حاجی رضا۔ جناب حاجی باقر۔ جناب کربلائی میرزا محمد و جناب آقا محمد باقر علیہم بہاء اللہ
"	۸۴	مشہد۔ بواسطہ جناب میرزا احمد قاضی و جناب ابن حاجی باقر سرچاہی۔
"	"	شاهرود۔ جناب حاجی باقر و جناب حاجی رضا علیہما بہاء اللہ الابہی

وآقا میرزا محمود وضجیع من سعد الی — اللہ آقا سید عبد الغنی وصبیہ امۃ اللہ آقابی بی علیہم وعلیہن بہاء اللہ الابیہی		
بواسطہ جناب آقا محمد خان زائر طہران	۹۶	صفحہ
— جناب میرزا عبد الحسین خان		
بواسطہ جناب شیخ زین العابدین	۹۷	"
علیہ بہاء اللہ — شاہرود — جناب آقا عبد الحسین یزدی علیہ بہاء اللہ		
شاہرود بواسطہ جناب آقا عبد الحسین	۹۷	"
بن ابوالقاسم یزدی علیہ بہاء اللہ		
بواسطہ بہرام بہرمد — حرم من استشهد فی سبیل اللہ وادرك لقاءہ فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر جناب حاجی حسین شہید علیہما بہاء اللہ الابیہی	۹۸	"
طہران — بواسطہ جناب امین امۃ اللہ المنجد بہ آقا بیگم صبیہ امۃ اللہ خانم صاحب علیہا بہاء اللہ الابیہی	۹۹	"
طہران — بواسطہ جناب امین علیہ	۹۹	"

کرمان — بواسطہ میرزا سید علی خان	۸۵	صفحہ
رضوی علیہ بہاء اللہ الابیہی — جناب آقا محمد آقا اشراقی علیہ بہاء اللہ الابیہی		
بواسطہ جناب آقا میرزا احمد قاضی جناب	۸۶	"
آقا محمد جعفر بن جناب حاجی باقر علیہ بہاء اللہ		
بواسطہ جناب آقا میرزا کاظم زائر جناب	۸۸	"
نور اللہ خان علیہ بہاء اللہ الابیہی		
سہزوار — جناب آقا عزیز اللہ ابن الشہید علیہ بہاء اللہ الابیہی	۸۸	"
طہران — جناب آقا علی ارباب شیروانی علیہ بہاء اللہ الابیہی	۹۱	"
طہران — بواسطہ جناب حاجی میرزا عبد اللہ ، جناب سیف الذاکر بن علیہ بہاء اللہ الابیہی	۹۲	"
بواسطہ جناب آقا عزیز اللہ ابن ملا علی شہید علیہ بہاء اللہ جناب آقا محمد حسن وجناب آقا محمد حسین وجناب آقا سید — قاسم و آقا میرزا محمد حسین —	۹۵	"

بواسطه جناب آقا ميرزا احمد ابن نبيل	۱۰۹	صفحه
جليل عليه بهاء الله - مشهد - جناب		
آقا ميرزا مهدي و امة الله المهين القيوم		
والده شان		
جناب ابن عم آقا ميرزا فضل الله عليه	۱۰۹	"
بهاء الله الابهي		
شاهرود - والده جناب ميرزا مهدي	۱۱۰	"
عليه بهاء الله الابهر		
قزوين - بواسطه جناب حكيم الهي	۱۱۱	"
كنيز حق زهرا سلطان عليها بهاء الله		
درخش - جناب آقا ميرزا ابراهيم عليه -	۱۱۱	"
بهاء الله		
شاهرود - والده آقا ميرزا مهدي عليه	۱۱۳	"
بهاء الله الابهي		
بواسطه جناب ميرزا يونس خان - جناب	۱۲۸	"
ميرزا عبد الحسين بن خادم باشي عليه		
بهاء الله		
جناب ابتهاج , جناب مديرو , جناب	۱۳۳	"
ميرزا يحيى حكيم , جناب بصار ,		

بهاء الله الابهي امة الله والده كيقباد		
زرد شتى عليها بهاء الله الابهي		
بواسطه جناب امين امة الله المقربيه	۱۰۱	صفحه
روحيه صبيه عميد الاطبا عليها بهاء الله		
الابهي		
خضراء جناب آقا عبد الوهاب عليه بهاء	۱۰۲	"
الله الابهي		
قزوين - جناب آقا سلمان عليه بهاء الله	۱۰۲	"
الابهي		
تاكرونور - جناب آقا ميرزا فضل الله خان	۱۰۴	"
نظام الممالك عليه التحية والثناء		
بواسطه جناب ميرزا احمد قائني وابن	۱۰۶	"
حاجي باقر سرچاهي احباي الهي		
عليهم بهاء الله الابهي		
شاهرود - جناب آقا مهدي ولد متعارج	۱۰۷	"
الى الله ملا غلامرضا عليه بهاء الله الابهي		
نور - جناب آقا ميرزا فضل الله عليه بهاء	۱۰۸	"
الله الابهي		



صفحه	
۱۴۵	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی ملاحظه نمایند
۱۴۶	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی
۱۴۷	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی
۱۴۷	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله رشتی عليه بهاء الله الا بهی ملاحظه نمایند
۱۴۸	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله رشتی عليه بهاء الله الا بهی ملاحظه نمایند
۱۵۰	طهران - بواسطه جناب امین حضرت آقا سید نصرالله سادات خمس عليهم بهاء الله الا بهی
۱۵۲	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی ملاحظه نمایند
۱۵۳	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی

	جناب آقا میرزا مهدی واعظ ، جناب - آقا میرزا اسد الله ، جناب سعید الملك ، جناب میرزا کالوس مسیحی ، جناب - میرزا اسحق کلیمی کاشانی ، جناب آقا علی ارباب عليهم بهاء الله الا بهی
صفحه	۱۳۸
	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی
"	۱۴۰ ط - امة الله والده عبد الله عليها بهاء الله الا بهی
"	۱۴۰ ورقه موقته امة الله ضلع جناب آقا سید نصرالله عليها بهاء الله الا بهی
"	۱۴۱ بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی
"	۱۴۳ ط جناب ناظم فصیح بلیغ آقا میرزا زین العابدین سروستانی عليه بهاء الله الا بهی
"	۱۴۳ بادکوبه - جناب مشهدی ابوظالب عليه بهاء الله الا بهی ملاحظه نمایند
"	۱۴۴ بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله عليه بهاء الله الا بهی

صفحه ۱۶۰	طهران - بواسطه جناب امین و -
	جناب آقا سید نصرالله علیه بهاء الله
۱۶۲	بادکوبه - جناب علی برادر جناب
	آقا یوسف علیه بهاء الله الابهی ملاحظه
	نماینده
۱۶۳	بادکوبه - جناب مشهدابو طالب علیه
	بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
۱۶۴	بواسطه جناب زائر آقا غلامحسین -
	علیه بهاء الله
	طهران جناب آقا سید نصراله رشت
	علیه بهاء الله
۱۶۵	طهران - جناب آقا سید نصرالله علیه
	بهاء الله
۱۶۶	طهران - جناب آقا سید نصرالله علیه
	بهاء الله
۱۶۷	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله علیه
	بهاء الله
۱۶۷	طهران - بواسطه جناب امین جناب
	آقا سید نصرالله علیه بهاء الله الابهی

صفحه ۱۵۴	بادکوبه - جناب آقا علی برادر جناب
	آقا یوسف علیه بهاء الله الابهی ملاحظه
	نماینده
۱۵۵	بادکوبه - جناب آقا سید نصرالله علیه
	بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
۱۵۵	خ ۱ - جناب ملا عبدالعلی علیه
	بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
۱۵۶	ورقه مبارکه ورقه الفردوس اتمه الله -
	البهی الابهی ملاحظه نمایند
۱۵۷	بواسطه حضرت حیدر قبل علی علیه
	بهاء الله الابهی
	طهران - جناب آقا سید نصرالله جناب
	حاجی غلامرضا ، جناب آقا میرزا عزیز
	الله خان علیهم بهاء الله الابهی
۱۵۸	طهران - جناب آقا سید نصرالله باقر -
	اف علیه بهاء الله الابهی
۱۵۹	طهران - بواسطه حاجی میرزا عبدالله
	جناب آقا سید نصرالله

صفحه ۱۶۹	طهران - حضرت سید نصرالله باقراف علیه بہاء اللہ الابہی
"	۱۶۹ طهران - حضرت آقا سید نصرالله باقراف علیہ بہاء اللہ
"	۱۷۲ طهران - از اعضای انجمن خیری جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۷۳ طهران - جناب آقا سید نصر اللہ باقر- اف علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۷۶ با دکوبہ - جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۷۸ طهران - جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۷۹ طهران - حضرت آقا سید نصر اللہ باقر- اف علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۸۳ امة اللہ مفتاح الملوك
"	۱۸۴ با دکوبہ - احباء اللہ علیہم بہاء اللہ الابہی ملاحظہ نمایند
"	۱۸۵ با دکوبہ - جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ الابہی

صفحه ۱۸۶	حضرت مسجون جناب ملا غلامحسین علیہ بہاء اللہ
"	۱۸۶ با دکوبہ - جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۸۷ طهران - ہرمزد یار خدا بخش پارسى
"	۱۸۹ طهران - ہواسطہ حضرت حیدر قہل علی جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ
"	۱۹۰ طهران - ہواسطہ حضرت حیدر قہل علی جناب آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ
"	۱۹۰ اہباء جناب آقا سید نصر اللہ علیہم بہاء اللہ الابہی
"	۱۹۲ ہواسطہ جناب نیر علیہ بہاء اللہ - جناب ہرمزد یار علیہ بہاء اللہ
"	۱۹۲ طهران - ہواسطہ جناب امین جناب - آقا سید نصر اللہ رشتی علیہ بہاء اللہ الابہی
"	۱۹۳ طهران - ہواسطہ جناب آقا سید اسد - اللہ و جناب آقا سید نصر اللہ باقراف ، آقا میرزا عبد اللہ و آقا میرا مین و آقا میرجلال

صفحہ ۲۰۳	ط — جناب آقا میرزا عبداللہ خان معلم	۲۰۳
	موسیقی علیہ بہاء اللہ	
صفحہ ۲۰۴	شیراز — جناب عندلیب گلشن معانی علیہ	۲۰۴
صفحہ ۲۰۵	بہاء اللہ الابھی	۲۰۵
	طهران — بواسطہ * جناب آقا میرزا	
	ارسطو جناب آقا میرزا عبداللہ معلم —	
	علیہ بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۰۶	شیراز — جناب عندلیب علیہ بہاء اللہ	۲۰۶
	الابھی	
صفحہ ۲۰۸	شیراز — جناب عندلیب گلستان —	۲۰۸
	الہی علیہ بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۰۹	بواسطہ جناب بشیر الہی جناب —	۲۰۹
	عندلیب علیہ بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۰۹	شیراز — جناب عندلیب ریاض عرفان علیہ	۲۰۹
	بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۱۱	شیراز — حضرت عندلیب حدیقہ معانی	۲۱۱
	علیہ بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۱۲	جناب ابن عندلیب عبداللہ حسین خان علیہ	۲۱۲
	بہاء اللہ الابھی	

صفحہ ۱۹۵	و آقا میرکمال و آقا میر عبداللہ حسین	۱۹۵
	و آقا میر عبداللہ حسن و جمیع ابناء و —	
	صبا یا و حرم محترمہ باقراف علیہم	
	و علیہن البہاء الابھی	
صفحہ ۱۹۶	با دکوبہ — جناب آقا سید نصر اللہ علیہ	۱۹۶
	بہاء اللہ الابھی ملاحظہ نمایند	
صفحہ ۱۹۷	طهران — حضرت آقا سید نصر اللہ باقر	۱۹۷
	اف علیہ بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۱۹۹	طهران — بواسطہ حضرت حیدر قبل	۱۹۹
	علی علیہ بہاء اللہ الابھی	
	آقا سید نصر اللہ علیہ بہاء اللہ	
صفحہ ۲۰۰	طهران — بواسطہ جناب حاجی میرزا	۲۰۰
	عبداللہ — ہرمزدیار پور خدا بخش —	
	پارسی جانش خوش باد	
صفحہ ۲۰۱	با دکوبہ — جناب آقا سید نصر اللہ علیہ	۲۰۱
	بہاء اللہ الابھی	
صفحہ ۲۰۲	با دکوبہ — جناب آقا سید نصر اللہ	۲۰۲
	بہاء اللہ الابھی ملاحظہ نمایند	
	با دکوبہ — جناب آقا سید نصر اللہ	

صفحہ ۲۲۹ حضرت ابتہاج الملک علیہ بہاء اللہ

الابھی

۲۳۰ رشت۔ بواسطہ جناب حاجی سید۔

جواد حضرت ابتہاج علیہ بہاء اللہ۔

الابھی

صفحہ ۲۱۳ ش۔ جناب عندلیب حدیقہ الہیہ علیہ

بہاء اللہ الابھی

۲۱۳ جناب عندلیب علیہ بہاء اللہ الابھی

۲۱۴ شیراز۔ بلبل گلشن معانی عندلیب

الہی علیہ بہاء اللہ الابھی

۲۱۵ ش۔ حضرت عندلیب حدیقہ ملکوت

علیہ بہاء اللہ الابھی

۲۱۷ شیراز۔ سلیل جناب عندلیب جناب آقا

میرزا عبدالحسین علیہ بہاء اللہ۔

الابھی

۲۱۸ شیراز۔ حضرت عندلیب ریاض الہی علیہ

بہاء اللہ الابھی

۲۱۹ جناب عبدالحسین خان علیہ بہاء اللہ

الابھی

۲۲۱ شیراز۔ حضرت عندلیب گلشن محبت

اللہ علیہ بہاء اللہ الابھی

۲۲۲ حضرت ابتہاج الملک علیہ بہاء اللہ

الابھی

۲۲۷ حضرت ابتہاج الملک علیہ بہاء اللہ الابھی